

آسیب شناسی تداوم جنبش‌های دینی در حوزه تعامل امت با امام از منظر قرآن کریم

مجتبی مهدوی مهر^۱

چکیده

تداوم و بقای حکومت‌ها، با چالش ظهور آسیب‌ها مواجه است. یکی از مشکلات، عارض شدن آسیب از ناحیه مردم است. آسیب‌های نشأت گرفته از مردم در حکومت‌های الهی، جنبه‌های متعددی دارد و جنبه تعامل آنان با رهبر از اهمیت فراوانی برخوردار است. مسئله اصلی پژوهش این است که آسیب‌های تداوم جنبش‌های دینی در حوزه تعامل امت با امام از منظر قرآن چیست؟ (مسئله) با رویکرد امت به مثابه انسان، در مقام تحلیل امت به سه لایه وجودی بینش، گرایش و کنش برآمده و با عرضه سؤال به قرآن و بهره‌گیری از شیوه استنتاجی در تفسیر موضوعی (روش)، پاسخ را از قرآن جویا شده است. در لایه دانشی-بینشی، آسیب‌هایی چون فقدان معرفت به جایگاه امام، فقدان معرفت به ویژگی‌های امام و فقدان معرفت به اهداف امام، مشاهده می‌شود؛ در لایه گرایشی، آسیب‌هایی چون حب دنیا در مقابل حب امام، حب به دشمنان امام، بغض به دوستان امام و بی‌اعتمادی به امام (وعده‌ها و تدابیر) دیده می‌شود؛ در لایه کنشی نیز آسیب‌هایی چون قداست شکنی از رهبر دینی، استقامت نکردن در راه رهبر دینی، نافرمانی از رهبر دینی ملاحظه می‌شود. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، آسیب‌شناسی، جنبش دینی، امت، امام

۱. دکتری قرآن و علوم سیاسی، مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

مقدمه

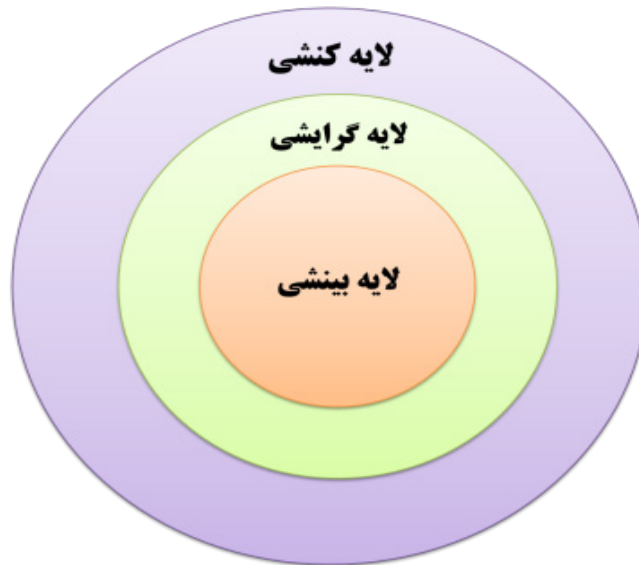
در طول تاریخ بشر، همواره با جنبش‌های دینی زیادی مواجه بوده‌ایم که در بسیاری از موارد به پیروزی رسیده و حاکمیت دینی را به ظهور رسانده، اما در تداوم راه خویش دچار مشکلات فراوانی شده‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در عصر حاضر و وجود بیداری اسلامی در برخی کشورهای دیگر که نویددهنده پیروزی تعدادی از آن‌ها (نهضت‌های دینی) در ایام پیش رو هست، اهمیت آسیب‌شناسی تداومشان را دوچندان می‌کند که مبنای آن مبتنی بر اصل علیت است؛ در اصل علیت، وابستگی معلول در ایجاد و بقا به علت مشاهده می‌شود؛ با این توضیح که برای پیدایش حکومت دینی سه علت متصور است (مردم، رهبری و قانون) که تا پایدار باشند حکومت هم پایدار می‌ماند و با کنار رفتن و آسیب هرکدام از آن‌ها، ارکان حکومت به لرزه درمی‌آید.

در آسیب‌شناسی موجود، به بررسی آسیب‌ها براساس ارکان حکومت یعنی حاکم، قانون و مردم پرداخته می‌شود که هرکدام از آن‌ها دارای نوعی تعامل و مواجهه با مؤلفه‌های دیگری می‌باشند. عارض شدن آسیب‌های تعاملی مردم نیز، در حوزه‌های متعددی صورت می‌پذیرد که از جمله آن‌ها در ارتباط با رهبری، قانون، دشمن و... هست که به دلیل محدودیت‌های نوشتاری، تنها به پاسخ این سؤال پرداخته می‌شود که آسیب‌های تداوم جنبش‌های دینی در حوزه تعامل امت (مردم) با امام (رهبر دینی)، از منظر قرآن کریم چه هست؟

دلیل مراجعه به قرآن این است که انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های مدنظر، با شعار و محوریت دین اسلام به پیروزی رسیده و معتبرترین منبع برای یافتن آسیب‌ها، همین کتاب مقدس هست که خداوند متعال آن را از هرگزندی حفظ نموده است. (حجر/۹) جنبش‌های ذکر شده در قرآن کریم که با محوریت انبیای الهی انجام پذیرفته و به پیروزی رسیده (یعنی رابطه امام و امت را شکل داده است)، بارزترین، برجسته‌ترین و قابل‌اعتمادترین الگو در زمینه آسیب‌شناسی تداوم حکومت دینی محسوب می‌شوند و برای نیل به هدف، با به‌کارگیری روش تفسیر موضوعی از نوع استنتاجی، به سراغ قرآن رفته و با عرضه سؤال به آن و تحلیل و بررسی آیات مربوطه پاسخ را جویا می‌شویم. در روش استنتاجی که نوعی از تفسیر موضوعی است، مفسر نیازهای زندگی بشر را شناسایی کرده و با اعتقاد راسخ به پاسخگویی قرآن، ضمن عرضه نمودن سؤال‌ها، پاسخ آن‌ها را از این کتاب شریف جویا می‌شود؛ (معرفت، ۱۳۷۳، ۲: ۵۲۷) بنابراین جمع‌آوری آیات

مربوط به یک مسئله خارجی و عینی و جمع‌بندی و تفسیر آن‌ها، روشی توحیدی بوده که میان تجربه بشری و آموزه‌های الهی (بدون تحمیل تجربه بشری)، وحدت ایجاد شده و بین مدلولات تفصیلی آیات مربوط به یک مسئله، ساختار نظری واحدی برقرار می‌گردد. (شهید صدر، ۱۴۲۱ ق: ۳۰)

چهارچوب بحث به این نحو است که با تشبیه امت به مثابه انسان، آن را براساس سه لایه وجودی یعنی بینش، گرایش و کنش موردبررسی قرار می‌دهیم؛ به این صورت که با رویکرد واکاوی هستی‌شناسانه انسان، به سه لایه وجودی در او برمی‌خوریم؛ لایه نخست لایه آشکار انسان است و نشان‌دهنده رفتار، اقدامات و فعالیت‌های اوست که به آن لایه کنش و واکنش گفته می‌شود؛ لایه دوم، پشت‌سر لایه اول قرار گرفته و بیانگر عواطف، احساسات، امیال، حب و بغض‌های انسان است که با عنوان لایه گرایش و واگرایش شناخته می‌شود؛ لایه سوم عمیق‌ترین لایه وجودی انسان است و حکایتگر دانش، افکار و عقاید اوست که از آن به‌عنوان لایه دانش - بینش تعبیر می‌شود. (شفیعی، ۱۳۹۹، ۲۳)



لایه‌های وجودی انسان (شفیعی، ۱۳۹۹: ۲۳)

در این نوشتار با مراجعه به قرآن کریم و بررسی تعامل امت‌های پیشین در برابر امام جامعه، آسیب‌های آنان در این سه لایه بررسی شده و براساس شباهت جویی انقلاب اسلامی و دیگر نهضت‌های اسلامی با حرکت‌های انقلابی پیامبران و امت‌هایشان، این آسیب‌ها به‌عنوان آسیب‌های احتمالی تعمیم داده می‌شود.

قابل ذکر است که به دلیل محدودیت در کمیت مقاله، صرفاً به بیان شاخص‌ترین و مهم‌ترین عناوین کلی دریافتی از قرآن کریم به‌صورت استقرایی (و نه حصر عقلی) اکتفا کرده و هرکدام از این عناوین می‌توانند به موارد فرعی دیگری نیز تقسیم شوند.

مفاهیم

قبل از ورود به بحث، لازم است به تعریف برخی مفاهیم پرداخته شود:

الف. آسیب‌شناسی:

واژه «آسیب» در فرهنگ دینی به معنای آفت است. آسیب‌شناسی یعنی شناخت رنج، درد و خسارت (عمید، ۱۳۷۱، ۱، ۴۴) و یا به علل و اختلالاتی اطلاق می‌شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده‌ای را برای رسیدن به هدف تهدید می‌کند. (حاجی، ۱۳۸۷، ۴: ۴۳۳)

ب. امام:

امام به انسانی گفته می‌شود که از جانب خدا برای هدایت مردم تعیین شده و دارای مقام عصمت هست (بقره/۱۲۴) و در قرآن کریم برای پیشوایانی که مردم را به سوی خالق یکتا دعوت می‌نمودند استعمال شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۰۸) مراد از امام در این نوشتار پیامبری است که رهبری امت را به دست گرفته و به پیاده‌سازی احکام الهی می‌پردازد.

ج. امت:

قرآن کریم انسان‌ها را با وجود اختلافات فراوان و متعدد، مجموعه‌ای همگون، همگرا، متشکل و در حال حرکت به سوی هدف واحد معرفی کرده و او را به سازمان‌دهی فراگیر دعوت می‌کند و این حالت را کیفیت اولیه جامعه بشری و شکل مطلوب و معقول آینده بشری معرفی می‌کند: «انسان‌ها

جز امت واحد نبودند و از آن‌پس خداوند انبیاء را فرستاد». (بقره/۲۱۳) بنابراین پیشوایان الهی امت بشری را سازمان داده و آن را به سوی سعادت حقیقی رهبری می‌کنند. (انبیاء/۷۳) (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۲۶۱) در نوشتار موجود، مراد از امت به صورت خاصه، پیروان پیامبر یا امام جامعه هست که حضور افراد ضعیف‌الایمان یا منافق در میان آن‌ها دور از ذهن نیست.

د. جنبش دینی:

جنبش به معنای حرکت و در مقابل آرام و سکون است و در زبان عربی به آن نهضت می‌گویند. در اصطلاح سیاسی برای جنبش تعاریف فراوانی صورت می‌پذیرد از جمله اینکه حرکت یا رفتار گروهی به نسبت منظم و بادوام برای رسیدن به هدف اجتماعی-سیاسی معین و بر اساس نقشه معین که ممکن است انقلابی و یا اصلاحی باشد. (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۳۶۹)

جنبش و انقلاب قرابت معنایی زیادی با یکدیگر دارند (کاشانی، ۱۳۷۹: ۷۸) و در عین حال، برخی تفاوت‌های جزئی را نیز در آن‌ها مشاهده می‌کنیم از جمله اینکه در انقلاب به طور قطع و یقین از خشونت استفاده می‌شود اما این مسئله شرط لازم برای یک جنبش نیست؛ ضمناً تغییر و دگرگونی در نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی و... از عناصر مهم انقلاب بوده که در آن تعویض حاکمان سیاسی و به هم ریختن شیرازه وجودی یک حکومت رخ می‌دهد (نظام سیاسی، حقوقی و... جای خود را به نظام دیگر می‌دهد) (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۳۹۲) ولی در نهضت ممکن است تنها به اصلاح بخشی از یک نظام سیاسی اکتفا شود (مصباح یزدی، بی تا: ۳۲) پس جنبش اعم از انقلاب است.

با توجه به تعریف صورت گرفته (از جنبش)، جنبش دینی این‌گونه تعریف می‌شود که حرکت یا رفتار گروهی به نسبت منظم و بادوام است که به رهبری مردان الهی صورت پذیرفته و هدف آن اصلاح حکومت‌ها و یا تغییر بنیادین آن‌ها با اتکا به فرامین الهی و در جهت تأمین سعادت دنیا و آخرت هست.

مراد از آسیب‌شناسی تداوم جنبش دینی در تعامل امت با امام این است که جنبش‌هایی که به رهبری پیامبران الهی شکل گرفته و در نهایت به پیروزی می‌رسند (یعنی رابطه امام و امت شکل گرفته و پیامبر الهی، رهبری امت را به دست می‌گیرد و به اجرای قانون الهی می‌پردازد) در تداوم راه خود با چه آسیب‌هایی مواجه می‌شود؟ توضیح بیشتر اینکه همه پیامبران الهی تلاش

نموده‌اند که جامعه دینی (اگرچه کوچک) تشکیل داده و خود در رأس آن قرار بگیرند و در این راه نیازمند برداشتن سدها و موانع بوده‌اند؛ مانع حضرت موسی برای تشکیل جامعه، فرعون بود که با از بین رفتن او رابطه امام و امت شکل گرفته و موسی به ترویج احکام الهی پرداخت:

«اگر موسی فرعون را از بین ببرد اما اجتماع صحیح براساس پیشنهاد خویش نسازد و خود در رأس آن اجتماع قرار نگیرد رسالت خود را انجام نداده؛ همه انبیای الهی (اولوالعزم) جامعه تشکیل داده‌اند؛ اقلاً در یک محیط و محدوده کوچک». (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ۶۸)

خلاصه اینکه مثلاً در رابطه با حضرت موسی به آیات بعد از مرگ فرعون و در رابطه با پیامبر اکرم به بعد از هجرت به مدینه پرداخته می‌شود.

انواع آسیب‌ها

آسیب‌شناسی امت در تعامل با امام، در سه لایه دانشی-بینشی، گرایشی و همچنین کنشی، از منظر قرآن کریم بدین صورت هست:

الف. آسیب‌های دانشی-بینشی

عمیق‌ترین لایه وجودی انسان که حکایتگر دانش، افکار و عقاید اوست لایه دانش-بینش نامیده می‌شود که در تعامل با حاکم دینی نقش محوری ایفا می‌نماید. از مهم‌ترین آسیب‌های دانشی-بینشی امت در تعامل با امام و در تداوم جنبش دینی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. ضعف یا فقدان معرفت به جایگاه امام

امامت و رهبری الهی رکن اساسی حکومت دینی بوده که بدون آن موجبات نابودی مکتب و گمراهی امت فراهم می‌آید. در برخی آیات قرآن کریم مراد از اکمال دین و اتمام نعمت الهی که موجبات ناامیدی کفار را پدید می‌آورد، ادامه یافتن جریان رهبری دینی معرفی شده (مانده/۳) که بدون آن همه زحمات انبیاء به هدررفته و به جاودانگی دین خدا (اسلام) و تضمین بقای آن از زوال و نابودی خدشه وارد می‌شود. (جعفری، ۱۳۷۶، ۳: ۷۰) مسئله وجود رهبری دینی و امامت بر امت به قدری اهمیت دارد که تنها جایی که پیامبر خدا مورد تهدید الهی واقع می‌شود همین مسئله اعلان امام پس از خویش است. (مانده/۶۸)

انبیا و اولیای الهی جایگاه بسیار والایی را نزد خداوند متعال به خویش اختصاص داده و در آیات بسیار زیادی از قرآن کریم، ایمان به آن‌ها در کنار ایمان به خدا قرار گرفته است (بقره/۲۸۵، نساء/۱۵۲)؛ در برخی از این آیات حتی تبعیض در ایمان به انبیاء نکوهش، و علامت کفر دانسته شده (نساء/۱۵۰ و ۱۵۱) و ایمان به همه آن‌ها شرط ثواب اخروی و بخشش گناهان معرفی گردیده است. (نهادندی، ۱۳۸۶، ۲: ۳۰۹) از دیگر آیاتی که جایگاه ولی خدا را نشان می‌دهد آیاتی است که اطاعت از ولی را، در حکم اطاعت از خدا دانسته (نساء/۸۰) و آن را باعث رستگاری می‌دانند. (نور/۵۲)

با توجه به آیات اشاره‌شده، ضعف یا فقدان معرفت به جایگاه امام و هم‌ردیف دانستن او با دیگر افراد جامعه و عدم رعایت شئون وی می‌تواند موجبات آسیب‌های فراوان را به همراه داشته باشد.

۲. ضعف یا فقدان معرفت به ویژگی‌های امام

ولی خدا باید خصوصیات زیادی از جهت ایجابی و سلبی داشته باشد که عدم درک و شناخت آنان، از آسیب‌های تداوم جنبش دینی محسوب می‌شود. برخی از مردم بشر بودن امامان جامعه را زیر سؤال برده (ابراهیم/۱۰) و برخی دیگر بر محوریت وراثت و ثروت تأکید می‌نمودند. (بقره/۲۴۷) از مهم‌ترین معیارهایی که در قرآن کریم برای امام جامعه شمرده شده، انتخاب الهی ولی است که این مسئله به‌طور کلی در اختیار انسان‌ها قرار نگرفته است؛ (بقره/۱۲۴ و ۲۴۷، حدید/۲۵، ابراهیم/۱۰) از دیگر معیارها می‌توان به توان مدیریتی و جسمی و علمی (بقره/۲۴۷) (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ۴: ۳۸۷)، اخلاق نیکو و دلسوزی (آل‌عمران/۱۵۹، توبه/۱۲۸، قلم/۴)، ساده زیستی و وارستگی (توبه/۵۵) و دوری از گناه (مائده/۶، نساء/۵۹، احزاب/۳۳) و... اشاره نمود که نبود آن‌ها می‌تواند موجبات سقوط ولایت را فراهم آورد.

۳. ضعف یا فقدان معرفت به اهداف امام

یکی از مهم‌ترین انحرافات که دامان پیروان ادیان الهی را گرفته مسئله سکولاریسم و جدایی دین از سیاست است که شکست اصل دین و تسلط کفر را به دنبال می‌آورد. قرآن کریم در موارد متعددی به مبارزات پیامبرانی همچون حضرت عیسی و حضرت ابراهیم (طور/۳۸، دخان/۱۹)،

حضرت موسی (نازعات/۱۹-۱۷)، حضرت محمد (فتح/۲۹، توبه/۱۲۳) و... تصریح کرده و مسئله سکولاریسم را نفی می‌نماید. حضرت موسی در اولین مرحله دعوت خویش مأمور می‌شود به سراغ فرعون برود: «به سراغ فرعون برو که طغیان نموده» (نازعات/۱۹-۱۷، طه/۴۳) و «در زمین استکبار ورزیده است». (قصص/۴) اگر قدرت را محور اساسی سیاست بدانیم (عالم، ۱۳۸۹: ۲۸)، انبیاء الهی همواره از آن سخن گفته و واژه نذیر در قرآن، بیانگر آن هست. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۱۲۰) پیامبران الهی و یارانشان همواره با طواغیت زمان در جنگ بوده (آل عمران/۱۴۶) و برای کسب قدرت و فراگیری حکومت و حاکمیت الهی تلاش می‌نمودند. (اعراف/۱۲۸، انبیاء/۱۰۵، مؤمنون/۴۵) در قرآن آمده است: «او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همهٔ دین [ها] پیروز گرداند». (توبه/۳۳) پس هدف انبیاء در قرآن برپایی نظام عادلانه بوده (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۱۲۴) و در پرتو آن و برداشته شدن نظام کفر، آزادی مطلوب به دست آمده و حق انتخاب راه صحیح از ناصحیح برای مردم محقق می‌شود. (جواد آملی، ۱۳۸۹، ۱۲: ۱۷۵)

با توجه به مطالب گفته شده، هدایت به سوی خدا هدف اصلی دعوت انبیاء بوده (ذاریات/۵۶) که مهم‌ترین وسیله رسیدن به آن برداشته شدن حکومت کفر و برپایی نظام الهی هست و در پرتو آن، عدالت (حدید/۲۵) و امنیت (بقره/۱۹۶، نور/۵۵) و... به نحو مطلوب به دست می‌آید؛ پس عدم معرفت به این اهداف و متمرکز شدن تنها بر کسب قدرت و حفظ آن و... از آسیب‌های جدی تداوم جنبش‌های دینی محسوب می‌شود.

۴. ضعف یا فقدان معرفت به مخالفین امام

امام جامعه دینی به دلیل رویکرد اصلاح‌گرایانه‌اش همواره با مخالفت‌ها و دشمنی‌های زیادی در تداوم راه نهضت خویش مواجه می‌شود (طه/۴۷، شعراء/۱۷، فصلت/۱۴) که باید مدنظر امت بوده و علاوه بر تلاش در جهت شناخت آن‌ها (دشمنان)، تدابیر لازم برای مقابله را نیز تدارک ببینند. قرآن کریم دشمنان موحدان و مؤمنان و صالحان و مجاهدان راه حق و متقین را، مشرکان و کافران (بقره/۱-۱۹۰، حج/۳۹) و منافقان (منافقین/۴) و فاسقان (حجرات/۶، بقره/۲۷) و... معرفی می‌کند که به استکبار و اسراف و ظلم و فساد و... پرداخته و باید مورد شناخت امت و مقابله قرار بگیرند.

ب. آسیب‌های گرایشی

در میان سه لایه وجودی انسان، لایه میانی دانش-بینش و کنش را گرایش نامیده‌اند که بیانگر عواطف، احساسات، امیال و حب و بغض‌های انسان است و باید در تعامل امت با امام مورد توجه واقع شود. آسیب‌های تداوم جنبش دینی در این حوزه به شرح ذیل است:

۱. حب دنیا در مقابل حب امام

روابط انسان‌های یک جامعه با حاکم را می‌توان در سه محور دفع ضرر، جلب منفعت و همچنین اهلیت (صلاحیت و شایستگی) خلاصه نمود. رابطه‌ای که براساس دفع ضرر بین حاکم و مردم شکل بگیرد پایه و اساسش ترس از حاکم است؛ این نوع رابطه، در قالب ارباب و رعیت یا نظام‌های استبدادی ظاهر می‌شود؛ ارتباطی که براساس جلب منفعت بین حاکمیت و مردم تنظیم شود مبنای عمده‌اش عقل منفعت طلب است که در قالب کارفرما و کارگزار یا همان وکیل و موکل تمدن غرب آشکار می‌شود. رابطه‌ای که براساس اهلیت و صلاحیت حاکمان سامان می‌یابد رکن برجسته‌اش ایمان و عشق است که در قالب خلیفه و مستخلف یا ولی و مولی علیه با پیوند الهی-عاطفی تجلی می‌یابد. نظر به اینکه در جامعه ولایت محور، رابطه بین مردم و حاکم بر مبنای سوم یعنی پیوند الهی-عاطفی بنا می‌شود نتیجه‌اش بیان دوستی و عشق و دلدادگی دوسویه بین آن‌هاست که برآمده از ایمان هست؛ بنابراین هم مردم دوستدار ولایت‌اند و هم ولی باهدف تأمین مصالح مردم، شفیق آنان است؛ اما محوریت دو رابطه اول (دفع ضرر و جلب منفعت)، بر مبنای دنیاگرایی و ترجیح آن بر امام بوده که آسیب‌های زیادی را در تداوم جنبش دینی به وجود می‌آورد.

در فرهنگ قرآنی نیز کسی مؤمن‌تر است که محبتش به خدا بیشتر باشد (بقره/۱۶۵) و نام رسول خدا در کنار خدا آمده که باید نسبت به پدر، فرزند، برادر، همسر، اموال و ... مورد رغبت، محبت و ترجیح بیشتر واقع شود (توبه/۲۴) تا حکومت الهی باقی بماند. در ادامه آیه به کسانی که این‌گونه نباشند وعده عذاب داده شده (شحاته، ۱۴۲۱ ق، ۵: ۱۸۳۳) و حتی فاسق شمرده شده‌اند. (حوی، ۱۴۲۴، ۴: ۲۲۳۷)

۲. حب به دشمنان امام و بغض به دوستان امام

در آموزه‌های دینی، پیوندهای مکتبی مهم‌تر از پیوندهای دیگر است و نباید عواطف خویشاوندی و غیره بر عواطف دینی و مکتبی غالب گردند که آسیب‌های زیادی را در مسیر حرکت امام و امت به وجود می‌آورد. در قرآن کریم بر وجوب اظهار برائت از کفار و منافقین تأکید شده و این برائت از دشمنان را حتی به مردگان آنان نیز تعمیم می‌دهد اگرچه از اقوام نزدیک (مانند پدر و مادر) بوده باشند. (توبه/۱۱۳) مراد از قاطعیت مذکور در آیه این است که هیچ اتصال، علقه و ارتباطی نباید با دشمنان دینی وجود داشته باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ق، ۱۵۷: ۱۶) و در یکدل، جای دو محبت (حب خدا و رسول و حب دشمنانشان) نیست. (صابونی، ۱۴۲۱، ق، ۳: ۳۲۴) همان‌گونه که لازمه ایمان به خدا و جریان حق، کفر به طاغوت و جریان باطل است (بقره/۲۵۶) لازمه دوستی خدا و اولیای او نیز، دشمن داشتن دشمنان اوست بنابراین یاران جبهه حق هرگز کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می‌کنند به دوستی نمی‌گیرند اگرچه از نزدیکانشان باشند. (مجادله/۲۲)

به بیانی دیگر، دوستی و دشمنی زمانی دارای ارزش است که جهت الهی داشته باشد و حب و بغض باید فی الله و لله یعنی در راه خدا و به خاطر خدا باشد، نه از روی سلیقه، میل و هواهای نفسانی. در قرآن کریم آمده است که همراهان پیامبر باید در دلشان نسبت به دشمنان او نفرت و نسبت به خودشان رحمت داشته باشند. (توبه/۲۳) (طبری، ۱۴۱۲، ق، ۲۶: ۶۹) از مهم‌ترین آسیب‌های گرایشی نسبت به امام این است که مودت لازم نسبت به یاران، همراهان و دوستان او وجود نداشته و بدتر از آن اینکه سیاهی‌های بغض و عداوت بر دل‌هایشان سایه افکننده باشد؛ چنانچه به پیامبر اکرم وحی می‌شود که بگو مزد رسالتم جز دوست داشتن نزدیکانم نیست (شوری/۲۳) ولی به خاطر بغض به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فتنه کرده و پس از پیامبر اکرم حکومت دینی را به انحراف و گمراهی کشاندند.

۳. بی‌اعتمادی به امام (وعده‌ها و تدابیر)

دانشمندان سیاست می‌گویند مفهوم اقتدار، با مفهوم قدرت و نفوذ پیوندی تنگاتنگ داشته و به معنای قدرت مشروع و مبتنی بر رضایت قلبی به کار می‌رود؛ پس نفوذ رهبران سیاسی زمانی نهادینه می‌شود که به سوی اقتدار معطوف شود. (عالم، ۱۳۸۹: ۱۰۰)

در اندیشه دینی نیز، اعتماد قلبی به امام از مهم‌ترین ارکان اقتدار و مصونیت بخشی به حکومت محسوب می‌شود که چنانچه کم‌رنگ شده و یا با خدشه مواجه شود آسیب‌های عمیقی را متوجه نظام ولایی می‌نماید که قرآن کریم مملو از بیان چنین آسیب‌هایی است؛ به‌عنوان مثال در جنگ احزاب که عرصه بر مؤمنین تنگ گردید جمعی از منافقان و آنان که در دلشان بیماری شک و تردید نسبت به پیامبر وجود داشت گفتند خدا و پیغمبرش، ما را با وعده نصرت بر دشمنان، فریب دادند. (احزاب/۱۲) (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ۳: ۴۷۸) در جنگ احد نیز کسانی که مأمور حفاظت از معبر بودند گفتند می‌ترسیم پیامبر در تقسیم غنائم، ما را از نظر دور بدارد؛ پس سنگر خود را رها کرده و به جمع‌آوری غنائم پرداختند و آیه نازل شد که هیچ پیامبری خیانت‌کار نیست. (آل عمران، ۱۶۱) (زحیلی، ۱۴۲۲ ق، ۱: ۲۵۶) پس از جنگ احد نیز تعدادی از منافقین و افراد سست ایمان که از روی ترس خوابشان نبرده و شب را بیدار مانده بودند، مکنونات قلبی را به زبان آورده و یا در دل خود می‌گفتند که اگر اختیار کار با آنان بود و از مدینه خارج نشده بودند این همه کشته نمی‌دادند و با این تحلیل، رأی و نظر خویش را برتر از پیامبر اکرم می‌دانستند. (آل عمران/۱۵۴) (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۲۸)

ج. آسیب‌های کنشی

لایه آشکار انسان را که نشان‌دهنده رفتار و فعالیت‌های اوست لایه کنش و واکنش می‌نامند که آسیب‌های فراوانی را در تداوم جنبش دینی و در تعامل امت با امام در بر می‌گیرد:

۱. قداست شکنی از رهبر دینی

رهبر دینی، بر دل‌ها حکومت می‌کند و یکی از دلایل آن، تقدسی است که در شخصیت وی به ودیعه نهاده شده است. علاوه بر تقدیس الهی و تأکیدی که بر حفظ حرمت نبی از جانب خداوند وارد شده، شخصیت رهبر دینی نیز به گونه ایست که قابل احترام و ستایش از جانب فطرت‌های پاک بوده و حاضر می‌شوند از همه چیز خود، حتی جان گران‌بهایشان در راه او بگذرند. رهبر دینی عصاره همه خوبی‌هاست و دشمن غدار، همواره در تلاش است تا این قداست و احترام را در دیده مردم از بین برده تا بتواند از قدرت بسیج‌کنندگی او کم کرده و به اهداف شوم خود دست یابد. قرآن کریم مصادیق زیادی از قداست شکنی را بیان نموده که یکی از آنان ایراد نسبت

ناروا همچون ساحری (صف/۶)، جنون (مؤمنون/۷۰) و نقص جسمانی (احزاب/۶۹، طبری، ۱۴۱۲، ۲۲، ۳۶) هست؛ تمسخر و کوچک نمودن رهبر نیز از دیگر مصادیق قداست شکنی بوده که هیچ پیامبری از گزند آن در امان نبوده؛ (حجر/۱۱) به عنوان مثال در جنگ تبوک پشت سر پیامبر سخنان مسخره آمیز گفته (توبه/۶۵، قمی، ۱۳۶۳، ۱: ۳۰۰) و در جایی دیگر سخنی که به آنان گفته شده بود از روی تمسخر دچار تغییر کرده و به جای حطه (طلب عفو) گفتند حنطه (گندم). (بقره/۹-۵۸، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ۱: ۱۱۰)

عیب جویی و طعنه زدن، (توبه/۵۸) عدم مراعات شأن و احترام (نور/۶۳، حجرات/۲) و مراعات نکردن حرمت خانواده رهبر اعم از همسر، مادر و... (نساء/۱۵۶، نور/۱۱) نیز از دیگر مصادیق قداست شکنی از رهبر دینی هست که باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. استقامت نکردن در راه رهبر دینی

آسیب دیگری که در ارتباط امت با رهبر دینی وجود دارد، استقامت نکردن در راه امام جامعه است؛ خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید هم خودت استقامت کن و هم کسانی که با تو همراهی می کنند. (هود/۱۲) در روایات آمده است که پیامبر فرمود سوره هود مرا پیر کرد و گفته می شود که مراد حضرت همین آیه دوازده از سوره هود بوده است؛ شاید دلیل آن، عدم استقامت و پایداری، و همچنین بی وفایی یاران پیامبر بوده باشد (قرآنی، ۱۳۸۸، ۴: ۱۲۶) که پایداری رهبر بدون همراهی و پایداری امت بی نتیجه می ماند.

استقامت نکردن در راه رهبر دینی، موارد متعددی را شامل می شود که از جمله آن ها تحمل نکردن سختی ها (بقره/۲۴۹) و نصرت ندادن به رهبر است. به عنوان مثال در جنگ احد و سختی های پیش آمده فرار کرده و پیامبر اکرم را نصرت ندادند. (آل عمران/۱۵۳، رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۳: ۲۹۸) تنها گذاشتن رهبر به خاطر مسائل اقتصادی (جمعه/۱۱) و همچنین بازگشت به ارزش های غیردینی قبل از تشکیل حکومت (ارتداد) نیز، از دیگر مصادیق استقامت نکردن است. در رابطه با بنی اسرائیل آمده است که پس از سختی های فراوان و عبور از دریا که به کشته شدن فرعون انجامید، به افرادی بت پرست برخورد نموده و یاد دوران گذشته افتاده و به موسی گفتند برای ما هم خدایانی قرار بده. (اعراف/۱۳۸، طبری، ۱۴۱۲ ق، ۹: ۳۱) خلاصه اینکه ارتداد و ارتجاع و بازگشت به

ارزش‌های قبل از پیروزی نهضت از مصادیق بارز عدم استقامت در راه امام جامعه است.

۳. نافرمانی از رهبر دینی

نافرمانی مردم و مسئولین از رهبر دینی، جزء مهم‌ترین آسیب‌هایی است که در تداوم جنبش‌های دینی رخ می‌دهد و مصادیق زیادی همچون پیمان‌شکنی، عدم رازداری، نپذیرفتن دعوت و فرامین ولی، نپذیرفتن قضاوت ولی، بهانه‌جویی و نپذیرفتن حکم جهاد، جلو افتادن از رهبر (تقدم بر رهبر) و... را به خود اختصاص می‌دهد؛

۱-۳. پیمان‌شکنی در قبال رهبر

مهم‌ترین مرتبه عهد و پیمان، عهدی است که با خدا و ولی خدا بسته می‌شود و در واقع بیعت با رسول خدا به منزله بیعت با خدا هست؛ (فتح/۱۰) در ادامه آیه شریفه باحالت هشدار گفته شده: «هر کس نقض عهد، و پیمان‌شکنی در حق پیامبر (رهبر دینی) داشته باشد در حقیقت به زیان خود پیمان‌شکنی کرده (و بهشت و کرامت را از دست می‌دهد) (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۱۷۲) و آن‌که در برابر عهدی که با خدا بسته وفادار بماند، و حق بیعت را ادا کند، خداوند پاداش عظیمی به او می‌دهد.

۲-۳. عدم رازداری در قبال رهبر

از سوی رهبر دینی، مطالبی به برخی افراد گفته می‌شود که باید مکتوم مانده و به صورت راز نزد خودشان باقی بماند و چه بسا افشای آن‌ها موجبات آسیب‌های جبران‌ناپذیر را فراهم آورد. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: کسی که اسرار ما را فاش کند، همانند کسی است که به روی ما شمشیر کشیده باشد. (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ۲۷: ۱۹۷) نافرمانی از افشا نکردن اسرار، ممکن است حتی دامان خانواده رهبر دینی را بگیرد؛ آن‌چنانکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به بعضی از زنانش (حفصه) (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۴: ۵۶۵) مطلبی را به طور سری گفته و از او خواسته است که این راز را افشا نکند ولی او به بعضی زنان دیگر آن را خبر داده است. (تحریم/۳)

۳-۳. نپذیرفتن دعوت و اوامر رهبر

هوایپرستان بی‌ایمان چون دعوت انبیاء را هماهنگ با منافع آلوده خود نمی‌دیدند در برابر آن

مقاومت می‌کردند و باگذشت زمان بر تعلیمات آن‌ها گرد فراموشی می‌افکندند؛ از آیه‌هایی که به نپذیرفتن فرامین ولی خدا و عاقبت آن اشاره می‌کند آیه‌ای است که می‌فرماید کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند، به زبان داود و عیسی پسر مریم لعنت شدند. این (لعن و نفرین) بدان سبب بود که آنان عصیان کرده و از فرمان خدا تجاوز می‌کردند. (مائده/۷۸)

لعن شدگان از زبان حضرت داود اصحاب سبت بودند که در روز شنبه برخلاف دستور پیامبرشان ماهی گرفتند و ملعونین از زبان حضرت عیسی کسانی بودند که مائده را خورده و ایمان نیاوردند. (نوی، ۱۴۱۷، ۱: ۲۸۶)

از مصادیق نافرمانی از رهبر دینی، بهانه‌جویی و تخطی از حکم جهاد است که در آیاتی چون ۴۴ توبه و ۲۴ مائده به آن اشاره شده است؛ در آیه ۱۳ سوره احزاب نیز به شرح حال گروه خطرناکی از منافقان بیمار دل در جنگ احزاب پرداخته و می‌گوید: «به خاطر بیاورید هنگامی را که گروهی از آن‌ها گفتند ای مردم یثرب! اینجا جای توقف شما نیست، به خانه‌های خود بازگردید» (امین، ۱۰: ۲۰۸) که در برابر این انبوه دشمن کاری از شما ساخته نیست، خود را از معرکه بیرون کشیده و خویشتن را به هلاکت، وزن و فرزندانتان را به دست اسارت نسپارید (یعنی پیامبر را میان دشمنان تنها بگذارید) (طبری، ۱۴۱۲، ق، ۲۱: ۸۶) و به این ترتیب می‌خواستند جمعیت انصار را از لشکر اسلام جدا کنند. از سوی دیگر، گروهی از همین منافقین که در مدینه خانه داشتند از پیامبر اجازه می‌خواستند که بازگردند و برای بازگشت خود عذر تراشی می‌کردند از جمله می‌گفتند: خانه‌های ما درودیوار درستی ندارد، در حالی که چنین نبود، آن‌ها فقط می‌خواستند صحنه را خالی کرده فرار کنند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷: ۲۲۷)

۳-۴. نپذیرفتن قضاوت رهبر

حکم خداوند متعال این است که قضاوت‌ها باید توسط رهبر دینی و یا با تأیید او صورت پذیرد و چنانچه کسی از این فرمان الهی تمرد کند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به تداوم جنبش وارد می‌کند. در آیات متعددی همچون ۶۱ نساء و ۴۸ نور به این مسئله اشاره شده است؛ در سوره نور آمده هنگامی که کسانی که ادعای ایمان و اطاعت دارند به سوی کتاب خدا و حکم رسول او دعوت شوند گروهی از آنان از کتاب خدا و حکم رسول او (اگر حکم علیه آنان باشد) اعراض می‌کنند. (نوی، ۱۴۱۷، ق، ۲: ۱۱۷)

می‌گویند این آیات درباره مردی از منافقان نازل شد که میان او و یک یهودی منازعه‌ای روی داد، یهودی گفت برای داوری پیش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِهِ وَسَلَّمَ برویم، منافق گفت: باید پیش کعب بن اشرف یهودی برویم و این آیات در مذمت او نازل گردید... (قمی، ۱۳۶۳، ۲: ۱۰۷)

۳-۵. نافرمانی از جانشین رهبر

پذیرش فرامین و اقدامات جانشین رهبری و تبعیت از آن‌ها، خصوصاً در رابطه با جانشینی که مستقیماً توسط رهبر دینی منصوب شده، در حکم پذیرش فرامین همان رهبر هست که در سوره طه بر نافرمانی بنی اسرائیل از جانشین حضرت موسی و تقبیح این عمل تأکید می‌نماید:

(وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي) (طه/۹۰) (قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى) (طه/۹۱)

آیه شریفه می‌فرماید: و البتّه هارون (نیز) «پیش از آمدن موسی از کوه طور» (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ۳: ۳۹) به آن گوساله پرستان گفته بود که ای قوم من! شما قطعاً به واسطه آن (گوساله)، مورد آزمایش قرار گرفته‌اید و همانا پروردگار شما خداوند رحمان است (نه گوساله)؛ پس از من پیروی کنید و دستور مرا اطاعت نمایید (بر دین من باشید و آنچه را می‌گویم پذیرفته و آنچه را نهی می‌کنم ترک کنید). (اما قوم مرتد، نافرمانی کرده و به هارون) گفتند: ما همواره بر (گوساله پرستی) پایداریم (و از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت) تا موسی به سوی ما بازگردد و ببینیم که آیا مانند ما عبادت می‌کند یا خیر؟ و آیا سامری درست گفته یا...؟ (حوی، ۱۴۲۶ ق، ۷: ۳۳۸۳)

۳-۶. محاربه با رهبر

نپذیرفتن رسول خدا و رهبر الهی از آسیب‌هایی است که گاهی اوقات به محاربه و درگیری با ایشان و یارانشان منجر شده است. محارب با رسول خدا در حکم محارب با خدا بوده و برای آن مجازات بزرگی قرار داده شده است:

(إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (مانده/۳۳)

مجازات‌هایی که در این آیه گفته شده روی دو عنوان رفته است: یکی محارب با خدا و پیامبرش و دیگری مفسد فی الارض؛ و ظاهر این است که هر دو عنوان، مصداق واحدی دارند و دو عنوان جداگانه به شمار نمی‌روند. محارب و مفسد در لغت به کسی می‌گویند که نیت جنگ با خدا و رسول او را داشته و در زمین فساد و فتنه می‌کند اما در اصطلاح به کسی می‌گویند که اسلحه به دست می‌گیرد (هر نوع آلت و ابزاری که به آن اسلحه گفته می‌شود مانند شمشیر و نیزه و تفنگ و سلاح‌های دیگر) و اختصاص به راهزنانی که در بیرون شهر به مردم حمله می‌کنند ندارد (اگر در داخل شهر هم این کار را بکنند، محارب و مفسد هستند) و دلیلی بر این تقیید وجود ندارد، بخصوص اینکه علمای شیعه در این باره اجماع نموده‌اند. (جعفری، ۱۳۷۶، ۳: ۱۲۷)

درباره‌شان نزول آیه گفته شده که قومی از اهل کتاب که با رسول خدا صلی الله علیه و اله عهد بسته بودند، عهد خود را شکسته و راه‌زنی پیش گرفتند. (امین، ۴: ۳۰۳)

محاربه با رهبر الهی گاهی تا سرحد قتل ایشان نیز پیش می‌رود:

پس (مُهر) ذلّت و درماندگی، بر آن‌ها (بنی اسرائیل) زده شد و (مجدّداً) گرفتار غضب پروردگار شدند. این بدان جهت بود که آن‌ها به آیات الهی کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق (بدون جرم) می‌کشتند، و این به سبب آن بود که آنان گنه‌کار و سرکش و متجاوز بودند. (بقره/۶۱)

از پیغمبر اکرم روایت شده است که ای بندگان خدا بترسید از سهل انگاری در معصیت؛ همانا گناهان موجب خذلان می‌شود و فرد را به معصیت بزرگ‌تر مبتلا می‌کند تا به تدریج کار را بجائی می‌رساند که منکر ولایت وصی و نبوت نبی می‌شود و از آنجا ادامه داده و منکر توحید می‌شود و ملحد می‌گردد؛ پس باید از معاصی صغیره اجتناب نمود تا کار به معاصی کبیره، کفر و همچنین امام کشی نرسد. (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ق، ۱: ۳۱۱)

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، آسیب‌شناسی تداوم جنبش‌های دینی در حوزه تعامل امت با امام است که با توجه به سؤال تحقیق، چنانچه بر اساس ابعاد و لایه‌های وجودی انسان انجام پذیرد؛ بر جامعیت و دقت نتایج افزوده و اکثر آسیب‌های لایه‌های بینشی، گرایشی و کنشی را به صورت متوازن و هماهنگ در بر خواهد گرفت. مقاله موجود با بررسی آسیب‌های امت در تعامل با امام، آن‌هم از منظر قرآن کریم و براساس ابعاد وجودی انسان به این نتیجه رسیده است که چنانچه

نسبت به این آسیب‌ها بصیرت افزایی و روشنگری صورت پذیرد و امت نیز نسبت به آن‌ها التزام داشته باشند، از بسیاری از آسیب‌ها در تداوم حکومت دینی جلوگیری به عمل می‌آید؛ بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، پیشنهاد می‌گردد:

۱. رسانه‌هایی چون صداوسیما، کانال‌ها و سایت‌های فضای مجازی، رسانه‌های نوشتاری و ... به نوعی جهاد تبیینی پرداخته و نسبت به آگاه‌سازی بیشتر و عمیق‌تر امت نسبت به این آسیب‌ها اهتمام بیشتری نشان بدهند؛ ساخت انواع فیلم و سریال‌های تاریخی مربوط به این مسئله و همچنین تولید انواع محتواهای عبرت‌آمیز توسط آحاد مردم در فضای مجازی و ... بر فراگیری بیشتر این بصیرت افزایی خواهد افزود.
۲. از نقش خاص روحانیون، اساتید و معلمان که با ارتباط چهره به چهره، تأثیر فراوانی بر مخاطبین می‌گذارند نباید غفلت نمود؛ بنابراین انتقال مطالب و خواسته‌های امام جامعه، همراه با تبیین بیشتر و اسلوب هنرمندانه، نقش مهمی در جلوگیری از آسیب‌ها ایفا می‌نماید.

همچنین به محققین و پژوهشگران در تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد:

۱. به تبیین آسیب‌های تداوم جنبش‌های دینی از منظر معصومین، خصوصاً آن‌ها که به حکومت رسیده‌اند پرداخته شود.
۲. نسبت به آسیب‌شناسی برخی جنبش‌های دینی معاصر که در برهه‌ای به پیروزی رسیده ولی در ادامه راه دچار آسیب و شکست شدند، مانند انقلاب مصر، کار خاص و ویژه‌ای صورت پذیرد.

منابع

۱. قرآن کریم (ابوالفضل بهرام پور، ترجمه). (۱۳۹۰). نشر آوای قرآن کریم، چاپ اول
۲. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴). مبانی سیاست. تهران: انتشارات توس، چاپ دهم
۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ: ۱
۴. امین، نصرت بیگم، تفسیر معزن العرفان در علوم قرآن. ۱۵ جلد، [بی نا] - [بی جا] - [بی جا]، چاپ: ۱.
۵. آقا بخش، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. نشر چاپار
۶. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶). تفسیر کوثر. (۶ جلد)، قم: موسسه انتشارات هجرت، چاپ: ۱
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تسنیم. قم: نشر اسراء، چاپ دوم
۸. حاجی، محمدعلی (۱۳۸۷). آسیب شناسی تربیت دینی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
۹. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه. آل البیت
۱۰. حوی، سعید (۱۴۲۴ ق). الاساس فی التفسیر. (۱۱ جلد)، قاهره: دار السلام، چاپ: ۶
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. (۲۴ جلد)، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، چاپ: ۱
۱۲. رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۶). نشر بکاء، چاپ دوم
۱۳. زحیلی، وهبه (۱۴۲۲ ق). التفسیر الوسیط (زحیلی). (۳ جلد)، دمشق: دار الفکر، چاپ: ۱
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. (۴ ج)، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ: ۳
۱۵. شحاته، عبدالله محمود (۱۴۲۱ ق). تفسیر القرآن الکریم (عبد الله شحاته). (۱۵ ج)، قاهره: دار غریب، چاپ: ۱
۱۶. شفیع، احمد (۱۳۹۹). تربیت و تعالی دینی ۲. پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق، چاپ اول
۱۷. صابونی، محمدعلی (۱۴۲۱ ق). صفوة التفاسیر. (۳ ج)، بیروت: دار الفکر، چاپ: ۱
۱۸. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۱ ق). المدرسه القرانیه. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید صدر

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (۱۰ ج)، تهران: ناصر خسرو، چاپ: ۳
۲۰. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). (۳۰ ج)، بیروت: دار المعرفة، چاپ: ۱
۲۱. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). مبانی اندیشه سیاسی اسلام. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم
۲۳. عمید، حسن (۱۳۷۱). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). (۳۲ ج)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ: ۳
۲۵. فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ ق). من وحی القرآن. (۲۵ ج)، بیروت: دار الملائک، چاپ: ۱
۲۶. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. (۱۰ ج)، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ: ۱
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. (۲ ج)، قم: دار الکتب، چاپ: ۳
۲۸. کاشانی، مجید (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی انقلاب. چاپ دانشگاه پیام نور
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. قم: انتشارات موسسه امام خمینی
۳۰. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۳). تفسیر و مفسران. قم: التمهید
۳۱. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. (۵ ج)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ: ۱
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. (۲۸ ج)، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ: ۱۰
۳۳. نووی، محمد (۱۴۱۷ ق). مراجع لیبید لکشف معنی القرآن المعجید. (۲ ج)، دار الکتب العلمیة، بیروت: منشورات محمدعلی بیضون، چاپ: ۱
۳۴. نهاوندی، محمد (۱۳۸۶). نفعات الرحمن فی تفسیر القرآن. (۶ ج)، موسسه البعثة، قم: مرکز الطباعة و النشر، چاپ: ۱